

قلمرو خواهی سرزمینی ترکیه و ژئوپلیتیک سلفی در خاورمیانه محمدرضا حاتمی^۱

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۹/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱/۲۲

چکیده

کشور ترکیه به علت قلمرو خواهی سرزمینی و هویتی در قالب یک گفتمان ژئوپلیتیک، در صدق تعمیق و بسط هژمونی خود در فضاهاهاى تجزیه شده ای می باشد که سابقا قلمرو سرزمینی و یکی از مهمترین منابع انرژی این واحد جغرافیایی بوده و نوستالژی ای ن قلمروها در حافظه تاریخی ترکها، نقش بسته است. در فضای آنارشیک خاورمیانه ای، ترکیه با استفاده از کارگزاری گروههای اسلام گرای سلفی درصدد عملیاتی نمودن نوستالژی مذکور و با استفاده از گفتمان ژئوپلیتیکی نو ظهور، می باشد. این تحقیق با پاسخ به اینکه بسط ژئوپلیتیکی داعش در قلمرو سرزمینی و هویتی شیعیان و کردها در راستای گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه مزوپوتامیا می باشد، به اثبات فرضیه خود پرداخته و با روشی تحلیلی - توصیفی و مبنای نظری نظریه پخش در پی نشان دادن بازی ژئوپلیتیک ترکیه با داعش می باشد. یافته‌ها ی پژوهش نیز نشان می دهد که هدف اصلی ترکیه دسترسی به عمق استراتژیک و سرزمینی در بین النهرین شمالی و مخرج مشترک ترکیه و داعش را می توان تعارض با حوزه‌های شیعی/کردی دانست.

واژگان کلیدی: عمق استراتژیک، نظریه پخش، ترکیه، توسعه طلبی، ژئوپلیتیک سلفی

۱۲۵

سیاست جهانی

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

در فضای آنارشیک خاورمیانه‌ای، ترکیه با استفاده از کارگزاری گروه‌های اسلام‌گرای تندرو درصدد عملیاتی نمودن نوستالژی قلمروخواهی و بسط ژئوپلیتیکی خود می‌باشد. داعش به عنوان یک گروه سلفی و تندرو که شیعیان و کردها را مورد آماج خود قرار داده، به صورت دو فاکتو توسط ترکها، هدایت و به نوعی در مدار کارگزاری ژئوپلیتیکی ترکها قرار دارد. از سوئی نگاه ترکیه به کردها به عنوان دشمن بزرگتر از داعش مطرح بوده، چرا که کردها را تهدیدی جدی برای انسجام سرزمینی ترکیه می‌دانند. به عبارتی، حزب کارگران کردستان، دشمن استراتژیک و داعش دشمن تاکتیکی، ترکیه می‌باشد. امروز، فارغ از کلان روایتها و نگاه ساختارگرایانه، پارادایم‌های غالب در جامعه شناسی، دیالکتیک و دوگانه ساختار/کارگزار، خرد/کلان و زمان / فضا، الگوهای غالب علم می‌باشند، که به نظر می‌رسد در برنامه منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی ترکها جهت کنشگری موفق در خاورمیانه قرار گرفته‌اند. با نگاهی بر ایدئولوژی و امیال ژئوپلیتیکی گروه تکفیری داعش می‌توان، پی برد که نوک پیکان این حملات، دسترسی به قلمرو سرزمینی کردهای عراق و سوریه و هویت شیعی از مناطق شمالی بین النهرین می‌باشد که این رقبای سرزمینی و هویتی داعش، رقبای ترکیه در منطقه نیز می‌باشند، لذا تضعیف این دو مؤلفه توسط داعش، در راستای منافع منطقه‌ای ترکیه می‌باشد. خاورمیانه، امروز به صحنه نبردهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میدان‌های منطقه‌ای و کنش حداکثری کارگزاران ژئوپلیتیک و سیستم‌های دوفاکتو در میدانهای محاط بر آنها درآمده است. برآمدن گروه‌های تروریستی، موجب فرصت‌ها و تهدیدهای برای کشورهای منطقه شده که ساختارهای منطقه در پی رصد این فضا در راستای منافع خود می‌باشند. به چالش کشیده شدن توازن ساختارهای ژئوپلیتیک، دگرگونی و موج‌های جدید دموگرافیک در جغرافیای جمعیتی خاورمیانه، تقویت دو قطبی شیعه - سنی و ظهور تعارضات هویتی و صف‌گیریهای جدید ژئوپلیتیک از پیامدهای فضای جدید می‌باشد. از سوئی نوستالژی هژمونی در مزوپوتامیا برای ترکیه وجود دارد، چرا که در بازه‌های زمانی مختلف این هلال حاصلخیز، جزئی از قلمرو ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک آن بوده که ابزار این هژمونی برای ترکیه، کارگزاری داعش و تقابل با سایر ساختارها و کارگزاریهای ژئوپلیتیک

می‌باشد. به طور کلی می‌توان سه رویکرد: حزب کارگران کردستان و علویون منطقه، دشمن استراتژیک و داعش دشمن تاکتیکی ترکیه، اعمال فشار بر اروپا با ابزار داعش برای عضویت در اتحادیه اروپا و نقش ترکیه برای داعش مانند پاکستان برای القاعده را اولویت راهبردی ترکها در حمایت از داعش عنوان نمود. به علاوه درخصوص کنشگری ترکیه باید به سازه‌های جغرافیایی دولت - ملت ترک و منافع ملی آن اشاره نمود. بعضی از محققین بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه‌ای همیشگی برای کنترل سرزمین است و از غفلت دانشگاهی دانشگاهیان از سازه‌های ملی سرزمین انتقاد می‌کنند. گرچه ناسیونالیسم معمولاً به عنوان پیگیری خود مختاری ملی تعریف شده است ولی در تعاریف غنی‌تر به عنوان یک طرح اقدام جمعی برای ارائه مرزهای یک کشور و سازوار با واحدهای حکمرانی، تبیین می‌گردد. از منظر گفتمانی نیز، ناسیونالیسم به عنوان یک عمل گفتمانی دولت - ملت که در یک قلمرو مستقل و متجانس با سرزمین ملی است در نظر گرفته می‌شود. واژه سرزمین ملی نشان می‌دهد که هویت‌های ملی، نسبتاً مشتق از قلمرو و حس قوی ملت‌ها را برای یک قلمرو خاص نشان می‌دهند. در سیستم بین دولتی مدرن، قلمرو دولت - ملت‌ها، عملاً در مطابقت با قلمروهای مستقل، تحدید می‌گردد. بنابراین فهم اینکه چگونه سازه‌های سرزمین ملی با قلمروهای مستقل و در فرآیند سازه‌های قلمرویی هویت ملی و منافع دولت مرتبطند، مهم می‌باشد. بنابراین ارتباط بین عناصر اساسی در ارتباط بین گفتمانهای کد و بینش ژئوپلیتیک توسط سازه‌های قلمرویی صورت بندی می‌شوند. باید توجه داشت یک حاکمیت دولت - ملت، تنها با دولت بودگی محقق نمی‌شود.

در حقیقت ماهیت مشروط دولت‌ها، آشکار می‌کنند که سازه‌های دولت - ملت‌ها برای هویت و منافعشان در یک منطق فضائی سیستم بین دولتی درگیر هستند. از سوئی این ایده که دولت‌های مستقل، سوژه‌های خودمختار سیاست بین الملل هستند، متکی بر این فرض است که مشروعیت دولت‌ها مشتق از ملت و یا مردم می‌باشد. حاکمیت مردمی نیز استدلال می‌کند که دولت‌ها اربابان قلمرو و مردم، اربابان دولت می‌باشند. باید عنوان نمود که سازه‌های تاریخی ملت بودگی و دولت بودگی باید بوسیله مطالعاتی که تمرکز خود را بر سازه‌های هویتی دارند، تکمیل شود. بنابراین باید نشان داد که چگونه

ناسیونالیسم، یک گفتمان ژئوپلیتیکی را برای دولت - ملت‌های ضعیف از طریق سازه‌های قلمروئی بوجود می‌آورد. بنابراین بسط ژئوپلیتیکی داعش در خاورمیانه و تضاد آن از لحاظ معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی با "دیگری" ترک‌ها، در راستای گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه نوین، قابل تحلیل و تبیین می‌باشد. این تحقیق با پاسخ به اینکه بسط ژئوپلیتیکی داعش در قلمرو سرزمینی و هویتی شیعیان و کردها در راستای گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه مزوپوتامیا می‌باشد، به اثبات فرضیه خود پرداخته و با روشی تحلیلی - توصیفی در پی نشان دادن بازی ژئوپلیتیک ترکیه با داعش و تفتیح کد/ بینش ژئوپلیتیک ترکیه می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که، ترجیحات امنیتی ترکیه حذف هر گونه خودمختاری برای کردهای سوریه، تضعیف حزب کارگران کردستان و نقش آفرینی مؤثر در کردستان عراق، مناطق ترکمن نشین و عرب نشین سنی در کرکوک، موصل و کانتونهای کرد سوریه، می‌باشد. در این راستا مخرج مشترک ترکیه و داعش را می‌توان تعارض با حوزه‌های مذکور دانست به عبارتی متغیرهای یاد شده، دشمنان راهبردی و داعش دشمن کوتاه دامنه و رو به افول ترکیه است.

۱. رهیافت نظری؛ نظریه پخش و قلمرو خواهی

در ارتباط با شیوع تفکر سلفیستی و بسط ژئوپلیتیکی و قلمروئی گروهک تروریستی داعش باید به نظریه پخش اشاره کرد. به انتشار و گسترش یک پدیده و یک نوآوری در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان، پخش و تراوش گفته می‌شود. در جغرافیای انسانی، تئوری پخش، ابتدا در سال ۱۹۵۳ به وسیله تورستن هاگراسترن، جغرافی دان سوئدی در دانشگاه لاند، منتشر گردید. (شکوئی، ۱۳۸۲). نظریه پخش در فضای جغرافیایی، عبارت است از گسترش یک پدیده از یک کانون یا کانونهای محدود در میان مردمی که آماده پذیرش آن پدیده می‌باشند. این گسترش در طول زمان صورت می‌گیرد، از این تعبیر چنین بر می‌آید که روند نظریه پخش در یک فضای جغرافیایی از شرایط زیر تبعیت می‌کند:

- ۱- پدیده یا پدیده‌ها و مشخصات عمده آنها
- ۲- کیفیت گسترش پدیده‌ها
- ۳- کانون یا کانونهای پدیده‌ها

- ۴- جمعیتی آماده پذیرش با زمینه‌های متفاوت پذیرش، مقاومت‌های مختلف جمعیت در برابر نوآوریها و یا اشتیاق و هواخواهی آنها از نوآوریها و پدیده‌ها
- ۵- فاصله، سهم فاصله در روند توزیع اطلاعات و گسترش پدیده‌ها، موانع اخذ اطلاعات در مکانهای مختلف، نقش رسانه‌ها و نقش دولت‌ها.
- ۶- سهم زمان در مقاومت یا پذیرش پدیده‌ها و نوآوریها میان جمعیت
- ۷- انتخاب و تصمیم‌گیری

بنابراین و با توجه به عوامل فوق، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاورمیانه و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تسلط بر منطقه باعث شکل‌گیری بسط جغرافیایی داعش و تداوم گسترش آن در طول فضا، زمان و مکان در منطقه شده است. به راحتی قابل رصد است که جغرافیای پخش داعش از منظر ژئوپلیتیکی، کردها و شیعیان را مورد هدف قرار داده که به صورت سنتی کدهای ناامنی منطقه‌ای ترکیه می‌باشند، یعنی ترکیه با بازی دوگانه خود با ابزار داعش، دو ساختار - کارگزار " دیگری و غیریت ساز " خود را زمینگیر نموده است. همانطور که ذکر شد کردها، دشمنان راهبردی ترکیه می‌باشند که موجودیت هستی‌شناختی و سرزمینی ترکیه را به صورت تاریخی مورد هجمه قرار داده‌اند، بنابراین هر گونه سیاست امنیتی ترکیه در حمایت از گروه‌های بنیادگرا، سلفیستی در این راستا قابل تحلیل می‌باشد. این قضیه وقتی صادق است که می‌بینیم در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، ترکیه با حمایت از فرقه نقشبندی به مبارزه با حزب کارگران کردستان ترکیه پرداخت. به علاوه در نظریه پخش باید به پدیده فراملی گرائی، قلمرو سازی، قلمروزدایی و دیاسپورا، نیز به عنوان منابع ستیز و ائتلاف، اشاره نمود. فراملی‌گرایی را می‌توان فرایندی دانست که بسیاری از مهاجران امروز بر ساخت زمینه‌های اجتماعی که مرزهای جغرافیایی سیاسی فرهنگی دارند تاکید می‌نماید. ترانس ناسیونالیسم، فرایندی چند مسیری است که توسط مهاجران ایجاد و درصدد حفظ روابط اجتماعی با جوامع مبدأ، باشد. (Bach,1994,4) قلمرو زدایی نمودن نیز به عنوان یک تجربه زندگی به نظر می‌رسد اساسا در ارتباط با زندگی در تبعید باشد. تجربه قلمرو زدایی نمودن پناهندگان بوسیله ادوارد سعید تشریح شده است، او استدلال می‌کند که زندگی در تبعید نمی‌تواند جدا از سرزمین مادری باشد (Said,1990,366).

فهم جغرافیای سیاسی مستلزم درک کنش متقابل جغرافیا (فضا) و سیاست (قدرت) یا تعامل بن مایه‌های جغرافیایی مانند فضا، مکان و قلمرو با امور مربوط به سیاست، قدرت و یا سیاستگذاری است. (Storey, 2009, 243-253). واژه قلمرو ناظر به فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروهها از آن بعنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. در جغرافیای سیاسی سه مفهوم سر زمین، مرز و حاکمیت برای شکل دهی به قلمرو رابطه نزدیکی دارند. بر اساس این، قلمرو فضای متأثر از قدرت سلطه و مالکیت است. (Jons, 2004, 115). تاختن به دیگر سرزمینها از مهمترین ساز و کارهای دولت برای گسترش قلمرو است (کاویانی راد، ۱۳۹۲، ۴۹). به نوعی که می‌توان تأثیر متقابل قلمرو قدرت را در خروجی آن که قلمرو گسترش است نامید. به علاوه دیاسپورا نوعی قلمرو سازی را نیز شامل می‌شود. سر زمین یا مکان جغرافیایی مرز برای تشخیص محدوده مکانی، فضایی، حاکمیت و مالکیت انسان سه جز اصلی قلمرو سازی است. این تعریف گستره وسیعی از فضاها را در بر می‌گیرد که شامل مرزهای پیچیده و در هم تنیده درون کشورهایی که برای اهداف گوناگون از هم متمایز می‌شوند. بنابراین ترکیه، همزمان بدنبال قلمرو زدایی نمودن از مناطق تحت زعامت خود قبل از عهدنامه سور و سایکس پیکو با توجه به جمعیت ترک زبان در آن مناطق و قلمروسازی در فضاها تجزیه شده جدید حاصل از شوک ژئوپلیتیکی داعش می‌باشد. (عبداله پور و قادری، ۱۳۹۴) در خصوص بستر توزیع و پخش داعش، باید عنوان نمود این پخش در داخل عراق، ابتدا و با حرکت به سوی مناطقی که دارای زمینه‌های مناسب و پذیرش مناسب مانند رفتار عشیره‌ای متأثر از عصبیت و نوستالژی هژمونی اعراب سنی در مناطق سنی نشین عراق / سوریه، حرکت و با قدرت گرفتن و تثبیت خود به دنبال حرکت به سوی مناطق دیگر از جمله مناطق شیعه / کردنشین استانهای دیالی و کرکوک و نینوا حرکت کرد.

۲. گفتمان ژئوپلیتیک ترکیه

نوعثمانی گری در ابتدا به مثابه جایگزینی برای ایدئولوژی کمالیست، مطرح شد که عناصر این ایدئولوژی، حفظ انسجام، همانند سازی اقلیتهای قومی و غربی شدن حداکثری بود. بنابراین می‌توان نوعثمانی گری ترکیه را به یک ساختار شبه امپریال برای دسترسی به هویت عثمانی در قلمروهای نفوذ سنتی ترکها، تعبیر نمود

(Kagan, 2016, 36). در مقاله‌ای با عنوان، خداحافظی ترکیه با سیاست صفرکردن مشکلات با همسایگان و نظریه داوود اوغلو که در بولتن شورای اروپا در سال ۲۰۱۶ به رشته تحریر در آمده است، عنوان شده که ترکیه با شکست در سیاستهای منطقه‌ای خود، دکترین اوغلو را کنار گذاشته است (Yilmaz, 2016, 67-74). پاسخ به بحران سوریه به آسانی با سیاست عمق استراتژیک و صفر کردن مشکلات، مفصل بندی نمی‌شود. بنابراین تغییر سیاست ترکیه نسبت به سوریه، حمله مستقیم در فضاهای تجزیه شده سوریه می‌باشد از سوی، کلیت ساختار بندی شده‌ای که از عمل مفصل بندی شدی حاصل می‌شود، گفتمان نامیده می‌شود. گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. (Hwarth, 2000, 101) مفصل بندی نیز به گردآوری عناصر پراکنده و ترکیب آنها در هویت و گفتمان نو می‌پردازد.

دو مفهوم گفتمان و مفصل بندی، با هژمونی، شکل می‌گیرند، زیرا هویتی که در یک گفتمان به عاملان اجتماعی داده می‌شود، تنها با مفصل بندی در یک صورت بندی هژمونیک به دست می‌آید. لاکلاو، تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمانهای محدود و معین را اعمال هژمونیک می‌نامد که شامل دو مؤلفه وجود خصومت و نیروهای متخاصم و بی ثباتی مرزها، می‌باشد. (Hwarth, 2000, 110).

نظر به مفاهیم گفتمان، مفصل بندی و هژمونی و تسری این مفاهیم به حوزه‌های جغرافیایی، گفتمان ژئوپلیتیک، حادث می‌گردد. این گفتمان از واژه‌هایی مانند، قدرت، سلطه، هژمونی، طبقات جنسیت، منافع، بازتولید، تبعیض، نهاد، طبقات اجتماعی، فارغ از ایده‌های تحلیلی مانند، قدرت اجتماعی، گروه‌ها و نهادها، استفاده می‌کند. در گفتمان ژئوپلیتیک، عناصر سختی مانند مرز و مکان به حاشیه و ژئوپلیتیک قومی، فکری، فرهنگی و انسانی، برجسته می‌گردند. بنابراین مکان، جای خود را به فضا می‌دهد. در مطالعات جغرافیایی، فضا موجودیتی مادی دارد که در شکل گیری آن پراکندگی و افتراق فضایی پدیده‌ها، نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام ایدئولوژیک نقش اساسی بر عهده دارند. (حاتمی، ۱۳۹۵) هر اسلوب فضایی، هم درونمایه ای فضایی نظیر عوامل طبیعی و انسانی دارد و هم واجد کیفیت‌های انتزاعی مثل فاصله، جهت و موقعیت نسبی است.

(اتوتایل، ۱۳۸۰: ۵۵۸). نظر به مفاهیم فوق، ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در سالهای اخیر با خوانشی جدید از تصویر سازی و کد/بینش ژئوپلیتیکی، درصدد کنشگری جدید در خاورمیانه می‌باشد که عناصر و وقته‌ها ی آن شامل، هویت، تاریخ، قلمرو سازی / زدائی، دولت / ملت سازی، امنیت و منافع ملی، عثمانی گرائی جدید، غیریت سازی و برند سازی ژئوپلیتیک، می‌باشد.

۳. فضاهای تجزیه شده و الگوی هژمونیک

توجه به مقوله فضا به عنوان یک سرمایه استراتژیک در نگاه پست مدرن، اولویت سیاستگذاری جغرافیایی کشورها می‌باشد. بنابراین رصد فضاهای آنارشیکی قومی / سرزمینی، قسمتی مهم را در سیاستهای ژئوپلیتیکی کشورها، ایفا می‌نماید. در تفسیح فضای تجزیه شده، باید گفت که این فضاهای تجزیه شده، نتیجه دولت ملت‌های شکننده خاورمیانه‌ای حاصل از مرزهای مصنوعی خاورمیانه‌ای می‌باشد که مرزهای هویتی ناپایداری دارند. کولوسف و اولوگلین، ضمن اینکه از شبه دولت‌ها به عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کنند، بر این باورند که حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها (Pseudo State)، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند رخ می‌دهند (Kolosov and O'Loughlin, 1998b:56).

داوود اوغلو بر این اعتقاد بود که پیشرفت سیاسی، اجتماعی و همگرایی اقتصادی بین کشورهای خاورمیانه، مهم‌ترین راه غلبه بر مرزهای مصنوعی خاورمیانه است. بازی دو گانه ترکیه در سالهای اخیر با گروههای معارض و سلفی جهت تفوق خود در منطقه در راستای هژمونی و دکترین امنیتی این کشور، آنتروپی ژئوپلیتیک و تضعیف میدان شیعی و خرده میدان کردها در خاورمیانه، قابل تحلیل است، به طوری که می‌توان گفت، رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در خاورمیانه بر سر هژمونی منطقه‌ای است، هژمونی که نه با جبر، بلکه با اجماع بدست می‌آید (Rogers, 1982, 21).

هژمونی منطقه‌ای در دولتهای دیده می‌شود که قدرت کافی را برای تسلط بر دول تابع و شبه دولت‌ها داشته باشند (Burges, 1989, 65). الگوی هژمونی بر این فرض استوار است که تاثیرات زیانبار رقابت را می‌توان با حذف اصل رقابت مهار نمود. در این راستا،

تضعیف بازیگرانی که دارای ارزش‌ها، اعتقادات یا رویکردهای سیاسی و استراتژیک مخالفند، در سر لوحه کنش‌های هژمونیک قرار دارد. (kraig,2014, 44). قدرت هژمون، به دنبال ایجاد نظامی هژمونیک و درصدد است که اصول اساسی، هنجارها، و قواعد امنیتی را خود تعیین کند. بر این اساس هژمون از رژیم‌های خود ایجاد کننده حداکثر سود را می‌برد و برای حفظ نظم هژمونیک، کالاهای عمومی را در اختیار بازیگران داخل نظام قرار می‌دهد ((honghua,2004,75). هژمون دارای ابعاد مادی، فرهنگی و سیاسی است، یعنی بازیگری است که از لحاظ ظرفیت اقتصادی دارای وضعیت تفوق آمیز است. از سوی دیگر، بر توزیع قدرت نظامی و سیاسی در مجموعه امنیتی مسلط است. اولین معیار در شناسائی نظام امنیتی هژمونیک در محیط امنیتی، ساختار مادی است. در ساختارهای مادی که متشکل از دو و یا سه قطب می‌باشد، احتمال ظهور نظام هژمونیک بالاست. دومین معیار، تولید کالای عمومی از سوی حداقل یکی از بازیگران است. چنانچه در مجموعه‌ای امنیتی حداقل یکی از بازیگران اقدام به تولید کالای عمومی به ویژه در عرصه امنیتی نماید و هزینه‌ها و مسئولیت امنیتی دیگر بازیگر محیط امنیتی را بر عهده گیرد بنابراین معیار شناسائی نظام امنیتی هژمونیک در سطح منطقه‌ای فراهم شده است (Keohne,1990,17).

سومین معیار، داشتن پیروان است، یعنی بازیگر قدرتمند مجموعه امنیتی باید دارای پیروانی باشد که این پیروان حاضرند او را به بازیگری هژمونیک تبدیل نمایند. چهارمین معیار یعنی برخورداری از مکتب فکری و سیاسی است. بر این اساس بازیگر هژمونیک باید دارای مکتب سیاسی و فکری منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. یعنی برای حداقل یک منطقه، یک دین و یا یک نژاد، نقشه راه و ایدئولوژی داشته باشد و رفتارها و سیاست‌های آن در عرصه سیاست خارجی بر پایه این ایدئولوژی تنظیم شده باشد. برای استمرار نظام امنیتی هژمونیک نیز سه ساز و کار باید مطمع نظر باشد. سلطه تحمیلی می‌تونی بر استیلا. نفوذ مبتنی بر تولید کالائی عمومی یا ترکیبی از اجبار و رضایت. رهبری که از رضایت خود جوش در بخش اعظم بازیگران عضو مجموعه امنیتی از طریق رهبری فکری و سیاسی برخوردار است. این نوع نظم هژمونیک بیشتر جنبه خیر خواهانه دارد. در نهایت باید عنوان نمود که هژمون بازیگری فعال، انحصارگرا و بلا



منازع در سطح مجموعه امنیتی است و در نقش قیم در میان بازیگران مجموعه امنیتی عمل می‌کند. (خانی، 1381، 234). الگوی هژمونیک یک الگو برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای است که براساس غلبه منافع یک بازیگر بر سایر بازیگران و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. براساس این الگو، صف دوستان و دشمنان از یکدیگر تفکیک می‌شود. در این الگو، رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد و از همه امکانات و ابزارهای مختلف برای محدود کردن از جمله عدم دسترسی به فن‌آوری‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی استراتژیک استفاده می‌شود. (واعظی، 1383، 33). در تحلیل مقایسه‌ای قدرت‌های هژمونیک منطقه‌ای، شاخصهای مهم ذیل را برای این قدرت‌ها به شرح ذیل بر می‌شمارد: نولته (Noite, 2007, 15)

- بخشی از یک منطقه که جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی است و حد و مرز مشخصی دارد

- برای رسیدن به یک موقعیت پیشرو در منطقه، مقاصدی را مفصل بندی می‌کنند
- به صورت قابل توجهی در تحدید حدود ژئوپلیتیکی و سازه‌های منطقه تأثیر گذار است

- قدرت منطقه‌ای، منابع ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی را برای پروژه قدرت منطقه‌ای به نمایش می‌گذارند

- قدرت منطقه‌ای از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه نفوذ به هم پیوستگی دارد

- دولتی که نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای دارد (پیامدها و اقدامات)

- اعمال این نفوذ بوسیله ساختارهای حکمرانی منطقه‌ای انجام می‌پذیرد

- در دستور کارهای امنیتی منطقه، تأثیر گذار است

- برای دول منطقه‌ای بویژه قدرت‌های منطقه‌ای، قابل احترام است.

- هژمون منطقه‌ای نه تنها از منافع خود، بلکه تا حدودی از منافع منطقه‌ای نمایندگی می‌کند.

با توجه به مؤلفه‌های فوق می‌توان گفت دستور کار سیاستی ترکیه در سالیان اخیر در راستای تفوق هژمونیک در منطقه می‌باشد که البته این تفوق نیاز به ابزاری دارد که علاوه بر تعمیق منافع ترکها، زاویه‌ای اساسی با سایر میدانها (ایران، عراق و سوریه) و خرده میدانهای منطقه (کردهای عراق، PKK, PYD) نیز داشته باشد. روابط حسنه سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران، عربستان و ترکیه بدنبال تحولات بهار عرب و بحران در منطقه مزوپوتامیا رو به وخامت گذارده است. مناقشاتی که علاوه بر تفاوت‌های ایدئولوژیک، در بسترهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای کشورهای مذکور نمود داشته است. این فضای تقابل ژئوپلیتیک - ایدئولوژیک سه کشور، رقابتی هژمونیک را بر سر مدلهای حکمرانی و منطقه‌ای میدانهای مذکور بوجود آورده است که در سیاستهای منطقه‌ای این کشورها مستتر است. از طرفی جهت کنش موفق در منطقه، این میدانها نیاز به هم آوایی کارگزاران ژئوپلیتیک دارند که گرچه فاقد کنش حداکثری هستند ولی می‌توانند ساختارهای ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه را دچار چالش نمایند. این کارگزارهای ژئوپلیتیک که در منطقه اقلیتها و قومیتهای مختلف را شامل می‌شود، باعث تغییر رفتار ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک ساختارهای ژئوپلیتیک در منطقه می‌شوند. (عبداله پور و متقی، ۱۳۹۵) به طور مثال در حالی که، جبهه ترکمنی در عراق و سوریه، داعش، ارتش آزاد و گرایشانی از کردها، نقش کارگزاری را برای ترکیه ایفاء می‌نمایند، ایران با توجه به دو گرایش ایدئولوژیک مذهبی و تمدنی، جناحی از کردها و شیعیان را در مدار کارگزاری خود قرار داده است. گرچه با توجه به اینکه جوامع خاورمیانه‌ای هیچگاه در طول تاریخ، جوامعی همزمن نبوده و متشکل از مذاهب و اقوام مختلف می‌باشد، اصرار بر ناسیونالیسم قومی و دینی، ذیل هژمونی میدانهای مسلط و تحت لوای دولت - ملت‌های کلاسیک امکان پذیر نمی‌باشد. فضاهای تجزیه شده خاورمیانه، تواما ابعادی مذهبی ژئوپلیتیک نیز دارند. دیجینگ، معتقد است که مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته‌اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به مثابه سرزمین مقدس و جنگهای مقدس، جلوه‌ای از یک ویژگی ژئوپلیتیک می‌باشند (Dijing, 2006, 192). خاورمیانه به عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود دائما همپوشانی مذهبی و ژئوپلیتیک را با

خود به همراه دارد. بنابراین ترکیه با اتصال ابعاد قومی، مذهبی و ژئوپلیتیکی، در پی عملیاتی نمودن گفتمان ژئوپلیتیک خود در فضاهای تجزیه شده خاورمیانه می‌باشد.

۴. مفاهیم پست مدرن در مرز

مکاتب انتقادی با زیر سؤال قرار دادن مفروضات دولت محور بودن و مفاهیمی مانند داخل/ خارج، خود/ دیگری و داخلی/ خارجی و حفظ آن برای گفتمانهای امنیت ملی، مورد شک، قرار گرفت (Ashley, 1987). بنابراین مرزهای قابل فهم به مثابه سازه‌های اجتماعی و نه موجودیت‌های طبیعی می‌باشند (Newman and Passi, 1998). از سوئی علم نوین ژئوپلیتیک در خصوص فرآیندهای ایدئولوژیکی سازه‌های اجتماعی، سیاسی، فضائی و مرزهای فرهنگی، برای تبیین فضای داخلی کشورها، نظم و انضباط و کنترل سیاسی داخلی، می‌باشد بسیاری از جغرافی دانان سیاسی، ایده اشلی را در خصوص سیاست خارجی به عنوان سیاست پراکتیستی تولید مرزی را در عرصه عملیاتی و انتخاب موضوع پژوهشی و یک پایه مفهومی در ژئوپلیتیک انتقادی پذیرفته‌اند (Daiey, 1990, Dodds, 1984). ژئوپلیتسین‌ها، نقش مرزها را بر فرآیند دولت سازی و قلمرو سرزمینی، بسیار مهم و استدلال می‌کنند که مرزها در ایجاد یک قلمرو و اعمال سرزمینی، نقشی تعیین کننده دارند (Sack, 1986). " پاسی " از مرزها به عنوان نهاد و سمبل، یاد می‌کند، ایده نهادگرایی او، منجر به مفهوم سازی مرزی به عنوان پدیده‌ای که نه تنها بر روی لبه‌ها، بلکه بر روی قلمروها کشیده شده است (Passi, 2011). او متأثر از نظریه‌های فرهنگی و روابط بین الملل، نشان می‌دهد که ما و دیگران (we & other)، چگونه می‌تواند تبدیل به اینجا و آنجا (here & there)، شود. از نظر تحلیلی، سازه‌های نمادین فضا، قلمرو سرزمینی و مرزها، مبتنی بر دیالکتیک بیم دو زبان، زبان همگرا و زبان تفاوت می‌باشد. در حالیکه زبان همگرا با هدف همگن سازی محتوی آگاهی فضای جمعی و تجربیات است، تلاش زبان تفاوت، تمایز این تجارب همگن ساز از دیگران است (Passi, ibid)

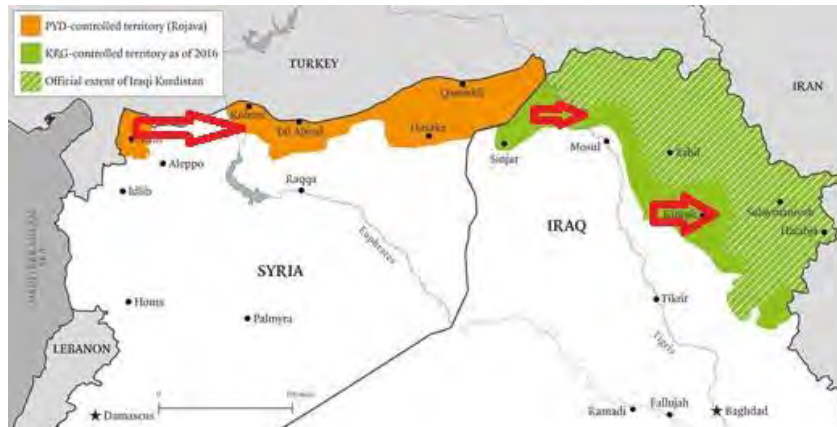
	here	there
we	همگرا در قلمرو سرزمینی	همگرایی مرزی
other	تمایز در قلمرو سرزمینی	تمایز بین ما و دیگران

اصطلاح مرز، غالباً به صورت مترادف با واژگانی همچون "boundary" و "frontier"، به کار می‌رود، البته تمامی این واژه‌ها، محدودیت‌ها و موانع را توصیف و تقسیم و یا جدائی در فضا را نشان می‌دهند. امروزه واژه مرز به یک خط قانونی در فضا اشاره دارد که فرهنگها و ملتها را از یکدیگر جدا می‌سازد (Anderson & Odowed, 1999). واژه "boundary" که در قرن هفدهم بوجود آمد، مشتق از کلمه "bond" (limit) است، همچنین از کلمه "bonnarium"، یعنی یک قطعه زمین با محدودیتی قطعی شده است. یک "boundary"، یک مفهوم خطی و یک نشانه گذاری یک جنبه خاص می‌باشد (Haselberg, 2010). در اینجا دو "boundary" از یکدیگر قابل تشخیص می‌باشد. "boundary" طبیعی که از ویژگیهای طبیعی مانند رودخانه‌ها، کوه‌ها و یا خطوط ساحلی پیروی می‌کند (konard & nicol, 2008) و "boundary" مصنوعی که توسط سوزنه‌های سیاسی یا اجتماعی و برای تمایز میان اقوام، مذاهب، زبان‌ها و تفاوت‌های امنیتی و یا حقوقی، ایجاد و باعث قطع چشم اندازهای طبیعی می‌گردد. (Haughton, 2009). واژه "frontier" نیز در قرن چهاردهم و برای تعریف مناطق بیطرف بین امپراطوریه‌ها و دولت‌ها و شکل داده به سرزمینهای خالی، تجزیه شده و مناطق کم سکنه، مورد استفاده قرار گرفت (Haselberger, 2010, 64). (بنابراین در این واژه، ما به نواحی می‌پردازیم که قبلاً کسی در آن ساکن نبوده و از آنجا که مراد این پژوهش از فضاهای تجزیه شده، فضاهایی جغرافیایی است که در آن اقوام گوناگونی، زیست می‌نمایند، واژه "frontier" از دستور کار این تحقیق، خارج، می‌گردد). اهمیت اصلی واژه‌های مذکور، مشتق از اثرگذاری آن‌ها در تعریف، طبقه بندی، ارتباطات و کنترل قلمرو، به معنای انتقال و ارجاع چیزها به فضای خاص و تنظیم حرکات مرزی و دسترسی به مناطق ویژه داخل / خارج، می‌باشد (Sack, 1996, 67) براین اساس، مرزها به طور سنتی، نقش نظم دهنده جامعه را ایفاء می‌نمایند (Popescu, 2012, 8). به طور کلی مرزها دارای معانی مختلفی می‌باشند که

از زمان به زمان، به مکان به مکان، فرهنگ به فرهنگ و زبان به زبان متفاوت می‌باشد. با توجه به موارد فوق و واژه تعریف مرز یعنی مناطق بیطرف بین امپراطوریه‌ها و دولت‌ها در مناطق خالی، تجزیه شده و یا کم سکنه و مرزهای مصنوعی که توسط سوزده‌های سیاسی یا اجتماعی و برای تمایز میان اقوام، مذاهب، زبان‌ها ایجاد می‌گیرد، گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه بر این بستر، شکل و فضاهای تجزیه شده‌ای را در شمال عراق و سوریه برای فلمروخواهی خود در نظر گرفته است. منطقه مزوپوتامیا با توجه به نفوذ پانصد ساله ترکیه، سنی بودن منطقه، عادت واره مردم این نواحی، جغرافیای غنی انرژی این منطقه از منابع آبی و نفتی، فلمرو خواهی جدید کردهای عراق و سوریه در فضاهای تجزیه شده، مهم‌ترین چالش امنیتی ترکیه خواهد بود. (متقی، عبدالله پور و دیانت، ۱۳۹۵، ۲۴۵).

بنابراین سیاستهای امنیتی ترکیه در منطقه، بعدی مزوپوتامیایی دارد. مزوپوتامیا در حال حاضر در جنوب به عربستان، از شمال به ترکیه و در شرق به ایران محدود می‌شود و بنابراین عرصه تقابل این هژمونهای منطقه‌ای می‌باشد. این منطقه از آنجائی که خواستگاه ادیان الهی، مهد تمدن و دارای یک جغرافیای خالق است، بستر مناسبی برای نضج ایدئولوژیک، مکاتب قدسی می‌باشد. از سوئی نظر به اقتصاد انرژی در منطقه یعنی حوزه‌های نفت و گاز و دو رودخانه دجله و فرات که تمامی منطقه را مشروب می‌کنند، محل منازعه حوزه‌های تمدنی و رقابت ژئوپلیتیک میدانهای منطقه‌ای می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فضاهای تجزیه شده و اهداف ژئوپلیتیکی ترکیه در مزوپوتامیا

۵. آنارشی ژئوپلیتیک و داعش

رشد و گسترش داعش در قلب خاورمیانه، علاوه بر تحولات رخ داده در زمینه امنیتی منطقه که پیش از این در قالب القاعده و دیگر گروههای تروریستی مشاهده می‌شد، دارای تفاوت‌های زیادی است. ظهور پدیده داعش حاکی از فصل نوین مسائل امنیتی در منطقه است که نه تنها در درون کشور خاص بلکه به صورت گسترده چندین کشور را تحت تأثیر قرار داده است (حاتمی، ۱۳۹۴، ۱۵۵). داعش با نگاهی ساختار شکن از مدل کلاسیک گروههای سلفی، کلیت قلمرو سنی خاورمیانه را به عنوان منطقه هدف خود قرار داده است. از سویی تحولات منطقه خاورمیانه بدون درک ملاحظات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی آن میسر نخواهد بود و این تغییرات ریشه در ظهور داعش دارد. گر این گروه، تفاوت اندکی از حیث ایدئولوژیکی با سایر گروه‌های رادیکال دارد اما از حیث جغرافیایی، با سایرین تفاوت عمده‌ای دارد. درحالی‌که گروه‌های نظیر القاعده، آرزومند سلطه سرزمینی مؤثر هستند؛ داعش توانسته خودش را به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک تعریف کند که تقریباً نواحی مشخصی از دو کشور عراق و سوریه را در کنترل خود دارد و این مسئله در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه می‌باشد... (عبداله پور، ۱۳۹۶). اگر چه بقای این گروه و توسعه متصرفات ارضی آن به دلایلی چون حملات هوایی ائتلاف، مشکلات پیش رو در کردستان عراق و توان ضدحمله و مقابله مؤثر

ارتش عراق کاملاً نامشخص است. علیرغم موجودیت جدید داعش، طبیعت سرزمینی آن سبب شده است تا نتوان آن را نادیده گرفت و در نتیجه، دولت‌ها مجبور به بازیابی سیاست‌ها و روابطشان با یکدیگر شده‌اند. در این وضعیت، عراق و سوریه تنها طرف‌هایی نیستند که مجبور به برخورد و مقابله با داعش هستند؛ سایر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، ایران و عربستان نیز نیازمند ارزیابی مواضعشان در این زمینه هستند چرا که داعش به عنوان یک سازمان تروریستی می‌تواند موجب اغتشاش و آشوب منطقه‌ای را فراهم سازد و بقای خود را در این فضا بهتر تأمین کند. در نتیجه بقای ژئوپلیتیکی داعش دربردارنده چالش‌های ژئوپلیتیکی برای سایرین خواهد بود. داعش در کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت تسنن معرفی کرده است در حالی که در واقعیت، این گروه خود را به‌ویژه بر سنی‌های عراق تحمیل کرده و مخالفت‌ها در برابر آن به‌ویژه در میان سنی‌ها وجود دارد. همچنین این گروه ضمن اعمال فشار علیه کردستان و نواحی شیعه نشین درصدد ایجاد پیوندهای ژئوپلیتیک با نیروهایش در سوریه است تا از این طریق پویش داخلی عراق را متأثر نماید. پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی حضور داعش در منطقه ضمن ایجاد تهدیداتی نسبت به دو دولت بغداد و دمشق و نیز نسبت به سایر رقبای تروریستی با تضعیف آن‌ها توانسته است به شفافیت مواضع میان مخالفان و دولت‌ها کمک کند. اندیشکده استارت‌فور در گزارشی که با قلم جورج فریدمن نگاشته شده بر این اعتقاد است که داعش ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داده است. در این راستا داعش توانسته است خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه در کنار مرزهای ترکیه، تثبیت بنماید. ظهور این پدیده، چالش‌های ژئوپلیتیکی را در منطقه مزوپوتامیا بوجود آورده که اهم آن به شرح ذیل می‌باشد.

-توازن ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای را دچار چالش نموده است.

-جغرافیای جمعیتی مزوپوتامیا را بهم ریخته است

- باعث تشکیل دیاسپوراهایی گشته که در آینده نزدیک بر ساختارهای فکری و مرز بندی عقیدتی منطقه تاثیرگذار است.

-دو قطبی شیعه - سنی را در خاورمیانه تقویت نموده است.

-علاوه بر کارگزاری ژئوپلیتیکی خود، موجد کارگزاری کردهای سوریه گشته است.
-ظهور داعش باعث صف گیری های ژئوپلیتیکی جدیدی در ساختارهای ژئوپلیتیکی
مستقر در منطقه شده است.

-پدیده داعش باعث ظهور تعارضات هویتی در منطقه شده است.
-ظهور داعش، مقدمات و محذوراتی را برای بازیگران ژئوپلیتیکی منطقه فراهم آورده
است. (عبداله پور و دیانت، ۱۳۹۵، ۹۳)

بنابراین داعش به عنوان یک ابزار تغییر ژئوپلیتیکی نه تنها در راستای اهداف میدانهای
منطقه‌ای، بلکه یک عامل مهم بی نظمی در خاورمیانه برای میدانهای فرامنطقه ای نیز
محسوب می‌گردد. ناظم زینال اف رییس موسسه نور جمهوری داغستان روسیه در
مصاحبه با خبرگزاری ایرنا عنوان نموده است که امریکا از گروه تروریستی داعش برای
نیل به اهداف ژئوپلیتیکی خود استفاده می‌کند. مقامات ترکیه بارها اعلام داشته‌اند که
PKK معادل YPG بوده (Erdoğan, Hurriyet, 19 October 2014). در این راستا، ترکیه،
سه انتظار از PYD دارد: -همکاری نکردن با رژیم اسد -عدم تشکیل یک دولت دوفاکتو
-تعهد کردهای سوریه برای امنیت مرزهای ترکیه.

بنابراین به علت عدم تحقق مطالبات فوق، حمایت جامعه بین المللی از PYD، ترکیه نه
از طریق نیروی نظامی، بلکه از طریق یک سیاست خصومت آمیز و آنتاگونیستی به مقابله
با کردهای سوریه رفت (Tas, 2015). بنابراین و از این منظر می‌توان گفت، ترکیه،
کردهای سوریه را تهدیدی بیشتر از داعش برای امنیت ملی خود می‌داند
(Gunter, 2015, 106). از سویی متأثر از تحولات بهار عرب، شورش داخلی در سوریه و
نضج گروههای تروریستی، دکترین داوود اوغلو در بعد ژئوپلیتیک، حوزه‌های کم تأثیر
در سیاست خارجی خود را که شامل اتحادیه اروپا، روسیه و دول خاورمیانه‌ای می‌شدند
را در اولویت کاری خود جهت کنشگری، قرار داد. کاگان و همکاران در گزارش خود
با عنوان استراتژی‌های کلان آمریکا و مقابله با داعش و القاعده که در سال ۲۰۱۶ به
رشته تحریر در آمده، روش‌ها، اهداف خرد و کلان ترکیه در منطقه خاورمیانه را ترسیم
می‌نماید (Kagan, 2016, 45)

۶. ژئوپلیتیک سلفی

باید عنوان نمود که ظهور و بروز داعش و نهادهای پشتیبان از این گروه، یک سناریوی ژئوپلیتیک است که در صدد مرزهای خاورمیانه‌ای است. بنابراین داعش، دارای یک متدولوژی قلمرویی است (Yilon, 2016). پس از فروپاشی ساختار دو قطبی و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، شوک‌های ژئوپلیتیکی شدیدی در آسیای غربی و خاصه منطقه مزوپوتامیا در ذیل سوژه‌های هویتی، فرهنگی، تمدنی و سرزمینی، قرار گرفت. این موضوعات جدید در ژئوپلیتیک پست مدرن که آثار فضائی دارد در مباحث گفتمان در ذیل عنوان قلمرو سازی گفتمانی، قابل تحلیل می‌باشد، به نوعی که می‌توان گفت اندیشه سلفیسم متقدم بر ژئوپلیتیک سلفیسم می‌باشد. دقیقه مهم در قلمرو سازی گفتمانی این موضوع است که چگونه اندیشه‌ها و مفروضات ژئوپلیتیک با مفصل بندی گفتمانهای خاص که دارای پیامدهای فضائی هستند با عملیاتی شدن در سپهر سرزمینی، قلمرو سازی ژئوپلیتیکی، هویتی و سرزمینی خود را به منصف ظهور می‌رسانند. رادیکالیزه شدن دگرگونیهای خاورمیانه در سالهای پس از جنگ سرد، ماهیتی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دارد و این نشانه‌ها را می‌توان در رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه که ریشه در تضادهای مذهبی دارد، مشاهده نمود. از سوئی و متأثر از ژئوپلیتیک پست مدرن می‌توان گفت مبدأ این تضادها، در ذیل نشانگان فرهنگی و هویتی قرار دارد. پیدایش گروههای تکفیری در خاورمیانه و اثرگذاری آن بر ژئوپلیتیک منطقه از نشانه‌های فرهنگی و هویتی، نشات می‌گیرد. بحران جدید در خاورمیانه و نقش گروههای سلفی تندرو را می‌توان، بازتاب تضادهای هویتی در فرایند رقابت ژئوپلیتیکی سوژه‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه دانست. در این فرایند، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هدف‌های ژئوپلیتیکی خود را با ساز و کارهای هویتی، پیگیری می‌نمایند (عمادی، ۱۳۹۴، ۷۳). البته در دوگانه شیعی و سنی و تقویت شکاف بین ایندو مؤلفه، حکومت‌های عرب منطقه، با اغراق حداکثری، بسط ژئوپلیتیک شیعه را مطرح می‌نمایند. باید عنوان نمود، اغراق حکومت‌های عرب منطقه در مورد خیزش شیعه، بی‌مورد و این اغراق برآمده از تلاش رهبران اقتدارگرای عرب برای نگهداشتن خود در رأس قدرت است. حوادث آوریل ۲۰۱۷ و تنش بین حکومت‌های قطر با بلوک حامی عربستان و

دخالت مجموعه این دول را در بحران، یمن، سوریه و سایر مناطق ستیز را می‌توان در همین راستا تحلیل نمود. با این تفاسیر، گروه دولت اسلامی عراق و شام یا داعش با مفصل بندی مجموعه‌ای از گزاره‌های هویتی عنصر عرب سنی، خود را به عنوان نماینده پان عربیسم سنی در منطقه خاورمیانه، مطرح که بعضاً از سوی ساختارها و عشایر عرب سنی نیز ولو به صورت دوافکتو، تقویت شده است. داعش که محصول القاعده است در اوت ۲۰۱۴ و به دنبال قلمروسازی ژئوپلیتیک در نواحی مرکزی و شرقی سوریه و هم مرز با عراق و کنترل تمام سرزمین شمال دره فرات و عرب سنی، اعلام موجودیت نمود. در حالی که، دیگری برای القاعده، غرب، می‌باشد. داعش، هدف اصلی خود را حذف عنصر شیعی در منطقه و سپس رویارویی با غرب و اسرائیل می‌داند. ابو مصعب زرقاوی از بنیانگذاران القاعده در عراق، بر این اعتقاد بود که آمریکائیان، شیعیان، کردها و گروه‌های حامی حکومت شیعی در عراق، دشمنان اصلی اعراب سنی، و شیعیان مهمترین دشمن آن‌ها می‌باشند. (عمادی، ۱۳۹۴، ۷۵)

نتیجه گیری

با پایان موجودیت گروه تکفیری داعش و از بین رفتن قلمرو ارضی این فرقه، ترکیه یکی از ابزارهای خود را برای کنشگری در ورای مرزهای خود از دست داده است. ولی با بر جسته نمودن، تهدید جدید بر علیه مرزهای خود، یعنی کردها با اتخاذ عملیات شاخه زیتون حملات ارضی را بر مناطق شمالی سوریه و کانتون عافرین آغاز و درصدد تعمیم این قلمروخواهی به مناطق شهر منبج و حوزه‌های نزدیک به کانتون کوبانی، می‌باشد. از سوئی، با نشستهای آستانه در خصوص بحران سوریه، ترکیه بار دیگر به گروه‌های تکفیری مانند احرار الشام، متوسل و درصدد بیرون راندن گروه تکفیری دیگر یعنی تحریر الشام (النصره) سابق و تسط بر استان ادلب می‌باشد. این راهبرد که به دنبال مناطق کاهش منازعه (de-escalation)، نامگذاری شده است، حاکمیت دوافکتوی ترکیه را بر مناطق تجزیه شده جدید، اعمال می‌نماید. هدف دیگر ترکها در این خصوص را می‌توان حمله به کردها در کانتون عافرین و گسست ژئوپلیتیکی بین سه کانتون کردی در شمال سوریه، دانست. از سوئی، گرچه در پایان سال ۲۰۱۷، داعش، تمامی قلمرو خود را در عراق و سوریه از دست داده ولی عنصر عرب سنی و رادیکالیسم عربی در

مقام سلفیسم و یا پان عربیسم، پدیده‌ای نو ظهور است که در آینده خاورمیانه و بین النهرین، عنصری تأثیر گزار و قابل اعتنا برای اعراب، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خواهد بود. امروز شکی نیست که ترکیه اگر نه حامی ولی به عنوان یک مامن و ملجاء برای تضعیف رقبای منطقه‌ای از این عنصر استفاده می‌نماید. ترجیحات امنیتی ترکیه حذف هر گونه خودمختاری برای کردهای سوریه، تضعیف حزب کارگران کردستان و نقش آفرینی مؤثر در کردستان عراق، مناطق ترکمن نشین و عرب نشین سنی در کرکوک، موصل و حلب می‌باشد. در این راستا مخرج مشترک ترکیه و داعش را می‌توان تعارض با حوزه‌های مذکور دانست به عبارتی متغیرهای یاد شده، دشمنان راهبردی و داعش دشمن کوتاه دامنه و رو به افول ترکیه است. برای داعش نیز ترانزیت نیرو و دسترسی به بازار انرژی تنها از طریق ترکیه میسر است. بنابراین و علیرغم حملات داعش به مکانهای در ترکیه، ترکیه و داعش منافع مشترکی دارند که آنها را در کنار یکدیگر ولو به صورت موقت قرار داده است. جهت ژئوپلیتیکی ترکیه بخصوص پس از کودتای نافرجام در ترکیه از غرب متوجه خاورمیانه، کشورهای پیرامونی و کارگزاران جدید در تجزیه فضای ژئوپلیتیکی جدید گردیده است. از سوئی، منافع ترکیه در یک آشوب ژئوپلیتیکی در خاورمیانه میسر است که گروههای سلفی به عنوان ابزار آشوب به صورت دائم التزایدی دخالت سرزمینی ترکیه در کشورهای همسایه را توجیه نموده‌اند. در پایان باید گفت برای اولین بار پس از سایکس پیکو و لوزان، گروههای تروریستی غیر همسو و کردها، بهترین ابزار توجیه ورود ترکیه به عراق و سوریه در قالب عملیاتی‌هایی مانند سپر فرات و شاخه زیتون، توهم الحاق موصل و حلب به ترکیه و قلمرو سازی این کشور در فضاهای تجزیه شده مزوپوتامیا می‌باشد.

منابع

- حاتمی، م. ۱۳۹۴. شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۱۴۷-۱۶۹
- حاتمی، م. ۱۳۹۵. خوانش ژئوپلیتیک از دیاسپورا، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۶۵-۸۱
- خانی، ع. ۱۳۸۱. نظریه‌های امنیت، انتشارات ابرار معاصر
- واعظی، م. ۱۳۸۳. تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ایران، وزارت امور خارجه، اداره کل آموزش، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه-شکویی، ح. ۱۳۸۲، فلسفه‌های محیطی و مکتبهای جغرافیایی، جلد دوم، تهران، انتشارات گیتاشناسی
- اتوتایل، ژناروید و دیگران، ۱۳۸۰. «اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم»، محمد رضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- عبداله پور، م.، قادری، ر. ۱۳۹۴، سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین‌النهرین شمالی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۹۴، صص ۱۳۷-۱۵۶
- عبداله پور، م. دیانت، ق.، ۱۳۹۵. دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه، انتشارات کلک سیمین، تهران
- متقی، ا. عبدالله پور، م. دیانت، م. ۱۳۹۵. میدان‌های منطقه‌ای و هژمونی در بین‌النهرین، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۹۵، صص ۲۴۳-۲۶۶
- عبداله پور، م.، متقی، ا. ۱۳۹۴. دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه با تاکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان ۹۴، صص ۱۱۱-۱۳۰
- عمادی، س.، ۱۳۹۴، گروه‌های تندور و ژئوپلیتیک خاورمیانه، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۰۲، زمستان ۱۳۹۴
- Bagchi, H, Aslahan A. D. 2009, changing geopolitics and turkey foreign policy, Middle East Technical University, Ankara, Turkey, VOL. XVI, 2
- Nolte, D. 2007, How to Compare Regional Powers: Analytical Concepts and Research
- Gunter, M. M. 2015, Iraq, Syria and the kurds: GEOSTARTAGIC CONCERN FOR THE u.s. and Turkey, Middle East Policy, Vol. XXII, No. 1, Spring 2015
- Galip Dalay, 2015, regional Kurdish politics in the post ISIS period, Aljazeera center for studies geography: the politics of geopolitical discourse. Geopolitics. 11: 349-366.

- Jongwoo.N2012, The Geographical Construction Of National Identity And State Interest By A Weak Nation State:Dissertation, Urbana, Illinois
- Kraig, bonfield2014, Turkish Kurdish energy cooperation in the Iraq cordorum, center for strategic and international studies.www.csis.org
- Robert O.Keohene, 1990, thr theory of Hegemonic Stability and changes in international Economics' regimesBoulder: London:westview press
- King, Anthony2008, the deep question: structure/agent and micro /macro and Time/Space, Historical Development, theoretical approach in sociology, vol1
- Burges.S1982, developed the concept of 'consensual hegemony' in which "the process of dialogue and interaction causes subordinate parties to appropriate and absorb the substance and requisites of the hegemony as their own. See, Sean Burges, "Consensual Hegemony: Theorizing the Practice of Brazilian Foreign Policy International Relations, Vol,22,No1.
- Rogers.S1982 Gramsci's Political Thought An Introduction London:Lawrance and Wishart,
- Gunter,M.M2015,Iraq, Syria and the Kurds: GEOSTARTAGIC CONCERN FOR THE u.s. and Turkey, Middle East Policy, Vol. XXII, No. 1, Spring 2015
- Mabon.S & Ardvini.L.Center FPC Briefing: *Daesh*, Geopolitics and the Resurgence of Pan Arabism?
- Frederick W. Kagan, Kimberly Kagan, Jennifer Cafarella, Harleen Gambhir, Christopher Kozak, Hugo Spaulding, and Katherine Zimmerman2016: U.S. Grand Strategy: Destroying ISIS and al Qaeda, United States of America by the Institute for the Study of War.
- Honghua,men2004 " critiques of the theory of international regimes.www.irchina.org
- Erdoğan says PYD 'no different than PKK' for Turkey", *Hurriyet*, 19 October 2014, available at <http://www.hurriyetdailynews.com/president-erdogan-says-pyd-no-different-than-pkk-for-turkey.aspx?pageID=238&nID=73172&NewsCatID=338>.
- Tas,Latif, "What Kind of Peace? The Case of the Turkish and Kurdish Peace Process," 9 July 2015, <https://www.opendemocracy.net/latif-tas/what-kind-of-peace-case-of-turkish-and-kurdish-peace-process>.
- Curtis,A2005, nationalism in diaspora a study of the Kurdish movement, university Utrecht
- Basch, L. G., Glick Schiller, N., & Szanton Blanc, C. 1994. *Nations Unbound: Transnational Projects, Postcolonial Predicaments, and Deterritorialized Nation-States*. New York: Routledge.
- Amberin Zaman, 2016, For Tukey which is the Lesser Evil: ISIS or the Kurds? Public Policy Fellow, Woodrow Wilson Center; Columnist, Diken.com.tr and Al-Monitor Pulse of the Middle East,

- Stein, A. 2016, Islamic state network in Turkey, Recruitment for the Caliphate, Rfigh Hariri center for middle East
- Dscoto, A. 2016, The Democratic Self-Administration of Rojava, Foreign Relations Commission, ISIS and Turkey File, 29/08/2016, <http://syria360.worldpress.com> e Atlantic Hariri Center for the Middle East
- Marks, M. 2016, ISIS and Nusra in Turkey, Jihadist recruitment and Ankara response, Institute for strategic Dialogue
- Turkes vs. ISIS and PKK: A Matte of Distinction 2016, bipartisan public center. <http://bipartisanpolicy.org/research/>
- Paasi, A. 2011. A border theory: An unattainable dream or a realistic aim for border scholars? In D. Wastl-Perspectives from the Austrian-Slovakian border region. In N. Adams, G. Cotella, & R. Nunes Eds., O Tuathil, Gearoid & Agnew, John 1992, geopolitics & discourse, practical geographical reasoning in American policy, political geography, vol. 11, no. 2
- Kuus, M., and Agnew, J. 2008 Theorizing the State Geographically: Sovereignty, Dijkink, Gertjan 1998, Geopolitical Codes and Popular Representations, *Geojournal*, 46, pp. 293-299.
- Vladimir Kolossov and John O'Loughlin 1998a Pseudo-states as harbingers of a post-modern geopolitics: The example of the Trans-Dniester Moldovan Republic
- Kolossov, V. and O'Loughlin, J. 1998b 'New Borders for New World Orders. Territorialities at the Fin-de-Siecle', *GeoJournal*, Minneapolis, MN: University of Minnesota press
- Kolossov, V. and O'Loughlin, J. 1999 'Pseudo-States as Harbingers of a New Geopolitics: The Example of the Trans-Dniestr Moldovan Republic', in D. Newman
- Murphy, A. B. 2002. National claims to territory in the modern state system: geographical
- Kuus, M., and Agnew, J. 2008 Theorizing the State Geographically: Sovereignty, -
- Hechter, Michael: Containing Nationalism. Oxford University Press, 2000. -
- Nolte, D 2010, hoW TO COMPARE REGIONAL POWERS: Analytical concepts and research topics, *Review of international studies*, volume 36 issue 4, 01 november 2010
- Cepoi, Ecaterina: 2013. The rise of islamism in contemporary Syria: from Muslim Brotherhood to Salafi-Jihadi rebels. In: *Studia Politica: Romanian Political Science Review* 13 2013, 3, pp. 549-560. URN: <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssoar-447331>